

## توضیحاتی بیش تر پیرامون سرکوب کرونشتات

در مقاله ی اخیر خود درباره ی کرونشتات، تلاش کردم که مسأله را در سطح سیاسی طرح کنم. اما بسیاری هستند که به مسأله ی «مسئولیت» شخصی علاقه مندند. «سوورین» که از یک مارکسیست بی حال و وارفته به یک چاپلوس و متملق بلندمرتبه تبدیل شد، در کتاب خود درباره ی استالین اظهار می دارد که من در اتوبیوگرافی خود، آگاهانه درباره ی شورش کرونشتات سکوت کردم؛ او با تمسخر می گوید شاهکارهایی هستند که بعضی ها آن را به رخ نمی کشند. «کالیگا» در کتاب خود با نام «در کشور دروغ بزرگ» بازگو می کند که در سرکوب کرونشتات، «بیش از ده هزار ملوان» از سوی من هدف گلوله قرار گرفتند (تردید دارم که کل ناوگان بالتیک در آن زمان این تعداد داشته است). سایر منتقدین هم خود را به این شکل ابراز می دارند: بله، به لحاظ عینی، شورش یک خصلت ضدانقلابی داشت، اما چرا تروتسکی متعاقباً به چنین سرکوب های بی رحمانه ای در فرونشاندن (و -؟) دست زد؟

من هرگز به این مسأله نپرداخته ام؛ نه به این دلیل که چیزی برای پنهان کردن داشتم، بلکه برعکس به این خاطر که دقیقاً چیزی برای گفتن نداشتم. حقیقت امر این است که من شخصاً به هیچ وجه نه در سرکوب شورش کرونشتات شرکت کردم، و نه در فرونشاندن های بعد از سرکوب. از نظر من

این واقعیت، اهمیت سیاسی ندارد. من عضوی از حکومت بودم، فرونشاندن شورش را ضروری می دیدم، و در نتیجه مسئولیت این سرکوب را به عهده داشتم. تنها در این محدوده است که به انتقادات تاکنون پاسخ داده ام. اما وقتی اخلاق گرایان من را شخصاً تحریک می کنند، من را متهم به سبعیتی می کنند که شرایط نمی طلبید، این حق را برای خود قائلم که بگویم: «آقایان، اخلاق گرایان، دارید کمی دروغ می گوئید».

شورش در زمان اقامت من در «اورال» آغاز شد. از اورال مستقیماً برای دهمین کنگره ی حزب به مسکو آمدم. تصمیم به سرکوب شورش با قوای نظامی، آن هم چنان چه سنگر [دشمن] ابتدا با مذاکرات صلح و سپس از طریق اولتیماتوم تسلیم نمی شد، یک تصمیم عمومی بود که با مشارکت مستقیم من اتخاذ شد. اما پس از آن که تصمیم گرفته شد، من هم چنان در مسکو باقی ماندم و در عملیات نظامی هیچ نقشی، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، ایفا نکردم. در ارتباط با سرکوب های بعدی، آن ها کاملاً کار «چکا» بود.

اما چه شد که من مستقیماً به کرونشئات نرفتم؟ دلیل این امر، ماهیتی سیاسی داشت. شورش در بحبوحه ی بحث ها درباره ی مسأله ی به اصطلاح «اتحادیه های کارگری» رخ داد. کار سیاسی در کرونشئات تماماً در دستان کمیته ی پتروگراد بود که در رأس آن زینوویف قرار داشت. همان زینوویف، رهبر اصلی، خستگی ناپذیر و پُرشور در نبرد علیه من در این بحث ها بود. پیش از عزیمت به اورال، در پتروگراد بودم و در نشست کمونیست های ملوان سخنرانی کردم. روح کلی حاکم بر نشست، تأثیر به شدت نامطلوبی بر من گذاشت. ملوان های شیک پوش و خوش خوراکی که تنها در اسم کمونیست

بودند، در قیاس با کارگران و مردان ارتش سرخ در آن زمان، حس انگلی بودن را ایجاد می کردند. از طرف کمیته ی پتروگراد، کارزاری به شکلی به شدت عوام فریبانه انجام شد. پرسنل فرماندهی ناوگان، منزوی و مرعوب شده بود. قطعنامه ی زینوویف احتمالاً ۹۹ درصد آرا را کسب کرد. به یاد دارم به زینوویف در این مورد گفته بودم: «همه چیز خیلی خوب است، تا این که خیلی بد شود». پس از این، زینوویف همراه با من در اورال بود و در این جا بود که پیامی فوری را دریافت کرد که می گفت امور کرونشتات دارد «خیلی بد» می شود. اکثریت غالب «کمونیست» های ملوان که از قطعنامه ی زینوویف حمایت کردند، در شورش شرکت جستند. از نظر من- همان طور که دفتر سیاسی هم اعتراض کرد- مذاکرات با ملوان ها و در صورت لزوم فرونشاندن آن ها، باید با همان رهبرانی که تا دیروز به این ملوان اطمینان سیاسی داشتند، به جایی برسد. والا کرونشتاتی ها مسأله را این طور در نظر خواهند گرفت که من برای «انتقام» از آن ها به خاطر رأی علیه خودم در طول بحث های حزب آمده ام.

دقیقاً همین ملاحظات، درست یا غلط، بود که رویکرد من را تعیین کرد. کاملاً و علناً از این امور دور ایستادم. در ارتباط با سرکوب ها، تا جایی که به خاطر دارم، دزرژینسکی مسئولیت شخصی آن را داشت و دزرژینسکی نمی توانست مداخله ی احدی را در اقدامات خود تحمل کند (و در این مورد هم نکرد).

این که آیا قربانیان غیر ضروری وجود داشته است یا خیر را نمی دانم. در این مورد من به دزرژینسکی بیش از منتقدین دیر هنگام او اعتماد دارم. به

خاطر فقدان داده ها، الآن نمی توانم به طور یسینی تعیین کنم که چه کسی می بایست مجازت می شده و چگونه.

نتیجه گیری های ویکتور سرژ در این مورد- از منابع دست چنم- از نظر من فاقد ارزش است. اما آماده ام تصریح کنم که جنگ داخلی، مکتب بشریت نیست. ایده آلیست ها و پاسیفیست ها همیشه انقلاب را به «افراط» متهم کرده اند. اما نکته ی اصلی این است که «افراط» از خود طبیعت انقلاب ناشی می شود که فی نفسه چیزی جز «افراط» تاریخ نیست.

به این معنا، من مسئولیت کامل و تمام و کمال سرکوب شورش کرونشتات را به عهده می گیرم.

تروتسکی

ژوئیه ی ۱۹۳۸

ترجمه: آرام نوبخت

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۴